

پیشخوان

علی‌الله سلیمی؛ روزنامه‌نگار

گفت‌وگو با بهناز ضرابی زاده، نویسنده «دختر شینا» به بهانه چاپ صدویستمین این کتاب

فکرش را هم نمی‌کردم که به‌دست رهبری برسد



بهناز ضرابی‌زاده

تولد: ۱۳۴۷/همدان

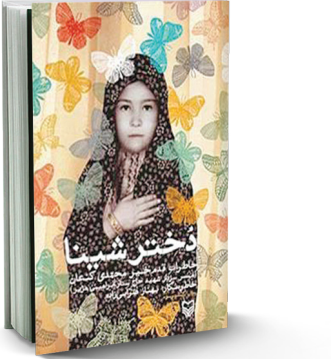
ویژگی: نویسنده آثاری ازجمله کتاب‌های آدم برفی، گنجشک سبز و آبی، دختر شینا و... برگزیده شانزدهمین دوره جایزه کتاب دفاع مقدس، برگزیده سیزدهمین جشنواره کتاب سال سلام، کسب نشان ادبی «اوراسیا» به‌دلیل نوشتن کتاب گلستان یازدهم در سال ۱۳۹۹و...

کتاب‌های ادبیات پایداری در کشورمان بارها با استقبال گسترده مخاطبان کتاب مواجه شده و رکوردهای متعددی در این بخش ثبت کرده است. در تازه‌ترین رویداد فرهنگی در این حوزه، کتاب تحسین‌شده «دختر شینا» به‌قلم بهناز ضرابی‌زاده از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ صدویستم رسیده است. این کتاب خاطرات قدم خیر محمد کنگان، همسر سردار شهید حاج ستار ابراهیمی هژبر از شهدای استان همدان است که در ۱۹فصل روایت می‌شود. سردار ستار ابراهیمی در عملیات کربلای‌شبه‌شهادت می‌رسد و قدم‌خیر درحالی‌که تنها ۲۴سال داشته، ۵فرزندش را به‌تنهایی بزرگ می‌کند.

شبیه یک الهام بود

بهناز ضرابی‌زاده آثار متعددی در حوزه ادبیات پایداری دارد که برخی از کتاب‌هایش به زبان‌هایی چون ترکی استانبولی، عربی، روسی، اردو، آذری و انگلیسی ترجمه شده‌اند، درباره انتخاب سوز و خاطرات نگارش آن، اینطور می‌گوید: درباره سوژه‌یابی کتاب دختر شینا باید بگویم که این کار اصلاً سفارشی نبود و بیشتر به یک الهام شبیه بود. من فقط اسم حاج ستار ابراهیمی را در همدان شنیده بودم و وقتی به بنیاد حفظ آثار برای سوژه‌یابی رفتم، پرونده این شهید به‌طور اتفاقی به‌دست من رسید. برایم جالب بود دختری در سن پایین ازدواج کرده و در ۲۴سالگی درحالی‌که ۵فرزند دارد، همسرش شهید می‌شود. بنیاد حفظ آثار شماره فرزند شهید را در اختیارم گذاشت و از این طریق با خانواده شهید ارتباط برقرار کردم. به این شکل با همسر حاج ستار، خانم قدم‌خیر محمد کنگان آشنا شدم. بعد از اینکه خدمت‌خانم محمد کنگان رسیدم، به مصاحبه و شنیدن خاطر‌اتشان پرداختم. یکی از خاطرات تلخ من درباره این کتاب، فوت همسر شهید در همان ایام نوشتن و آماده‌سازی کتاب برای چاپ بود. فوت قدم‌خیر زمانی بود که من تقریباً تمام خاطرات حاج‌ستار را از او گرفته بودم و تنها بخش پایانی خاطرات شهید باقی مانده بود که ایشان قبل از فوت، همراه دخترشان به دفتر من آمدند و تمام خاطرات را بیان کردند. بعداز مدتی باخبر شدم که قدم‌خیر حال خوبی ندارد و در بیمارستان بستری شده‌است. وقتی به ملاقاتش رفتم، در کما بود. در دوران بیماری بارها به عیادت‌شان می‌رفتم و گاهی هم تلفنی جویای احوال‌شان می‌شدم. بعد از مدتی باخبر شدم که قدم‌خیر از دنیا رفته است. خود را به مزارش رساندم و از قدم‌خیر خواستم که کمکم کند تا آخرین رسالتش را که گفتن خاطرات همسر شهیدش بود، به‌خوبی انجام دهم. پس از فوت همسر حاج‌ستار، از شدت اندوه چندماه بیمار شدم.

وقتی از قدم‌خیر و شهید حاج‌ستار کمک خواستم، شروع به نوشتن این کتاب کردم. البته هر زمانی که این خاطرات را می‌نوشتم درست مثل زمانی که قدم‌خیر آخرین خاطرات همسرش را که مربوط به شهادت حاج‌ستار می‌شد بیان می‌کرد، کاغذهایم از شدت گریه خیس می‌شد و یکی از دلایل موفقیتم در نوشتن کتاب دختر شینا این است که این کتاب را باشک‌نوشتم.



نصف اجر شهدا متعلق به خانواده آنهاست

کتاب دختر شینا متفکر به تفریق مقام معظم رهبری است و از زمان انتشار همواره مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. ضرابی‌زاده این اتفاق خوشبخت را اینطور شرح می‌دهد: «حتی فکر اینکه این کتاب به‌دست رهبر معظم انقلاب برسد را هم نمی‌کردم. در همان ایام که کتاب دختر شینا به‌تازگی چاپ شده بود به همراه خانواده شهید حاج‌ستار ابراهیمی، صمد ابراهیمی و چند نفر از خانواده‌های شهدا به دیدار رهبر معظم انقلاب رفتم. مقام‌معظم رهبری در این دیدار پس از صحبت با پسر شهید حاج‌ستار ابراهیمی و جویابشدن از حال وی، فرمودند که کتابی هم از خاطرات مادر مرحومتان به چاپ رسیده، خدا و رحمت‌شان کند. کتاب خوبی بود. بعد پرسیدند آیا نویسنده هم در این جلسه حاضر است؟ که در این زمان من از جا بلند شدم و خدمت ایشان عرض ادب کردم. مقام‌معظم رهبری درباره کتاب فرمودند: کتاب خوبی بود. هم داستان خوبی داشت و هم به جزئیات خوب توجه کرده‌اید. واقعا همسران شهدا اجر فراوانی دارند و نصف‌اجر شهدا متعلق به همسر و خانواده آنهاست.»



دلسوزان از سنگ‌اندازی پرهیز کنند

محمد زورابی، رئیس سازمان سینمایی؛ پیش‌نیاز حرکت به‌سوی اعتلای فرهنگی سینما، آشتی دادن مخاطب با سینماست که این مهم به همت سینماگران و مدیران سینما در حال تحقق است و انتظار می‌رود آثایی که دلسوز سینما هستند از سنگ‌اندازی و ایجاد حاشیه و اختلال پرهیز کنند.



جشنواره فجر، امضای هنری کشور است

مجتبی امینی، دبیر چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر؛ مهم‌ترین جریان فرهنگی در کشور، منطقه و خاورمیانه، جشنواره فیلم فجر است. این جشنواره در حوزه ملی و بین‌المللی برای ما مهم است و امضای هنری کشور ما محسوب می‌شود. این رویداد جزو جشنواره‌های الف دنیا است و امسال وارد فصل جدیدی از برگزاری این جشنواره می‌شویم.



متولد: آبان ۱۳۵۹در تهران

حرفه: بازیگر

کاوه خداشناس

تحصیلات: فارغ‌التحصیل رشته تئاتر دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران

بخشی از آثار؛ نقش‌آفرینی در آثار تلویزیونی چون عملیات ۱۲۵، آسمان همیشه ابری نیست، شاید برای شما هم اتفاق بیفتد، معراجی‌ها، صبح آخرین روز، بی‌همکان و...

تلویزیون و سینما بازی شد.

در مدرسه جزو بچه‌های درسخوان

کلاس بودید؟

دبیرستان رشتته تجربی درس می‌خواندم و درسم چندان بد نبود، اما چون به رشته هنر علاقه داشتم، درس برایم جذابیتی نداشت و به قولی دل به‌کار نمی‌دادم.

خانواده در اینکه شما وارد عرصه هنر و

بازیگری شوید، چقدر سهیم بودند؟

خیلی زیاد، دایم‌ای که سال‌ها در حوزه هنرهای نمایشی پژوهشگر و کارگردان بود، تأثیر بسزایی در علاقه‌مندی و انتخاب من داشت. حضورش باعث شد از کودکی با فضای هنرهای نمایشی آشنا باشم و اجرهای خوب را در تئاتر شهر ببینم؛ علاوه بر این، پدرم هزاران بیت شعر در حافظه داشت و مادرم در خانواده‌ای هنرمند بزرگ شده است؛ از این‌رو از کودکی در خانه‌ای بزرگ شدم که به لطف حضور پدری ادیب و صاحب‌عرفت، فضایی آکنده از شعر محسوب می‌شد و من و آپرادرم در مکتب اخلاقی خانواده من یک ساختار فرهنگی و هنری دارند و فضای خانواده به‌گونه‌ای بود که ادبیات و موسیقی همیشه خیلی جدی در آن جریان داشت.

شغل پدرتان چه بود؟

از نوجوانی وارد بازار کفش‌شده و تولیدکننده و فروشنده بود، اما به لحاظ روحی و ذاتی یک هنرمند محسوب می‌شد و من و آپرادرم در مکتب اخلاقی خیلی چیزها یاد گرفتیم. متأسفانه ۲سال قبل به رحمت خدا رفت و جاییش در میان ما خیلی خالی است.

کدام‌یک از نقش‌هایی را که تاامروز بازی

کرده‌اید بیشتر دوست دارید؟

نقش‌هایی که بیکاره مخاطب با چهره دیگری از جنس بازیگری ما مواجه شده برایم جذاب‌تر بوده است.

مستوران جذاب‌تر می‌شود

با همه اقبال از سریال مستوران که این شب‌ها از شبکه یک سیما پخش می‌شود، یکی از نقدهایی که مخاطبان فضای مجازی به این سریال دارند، روند کند قصه این مجموعه است. بازیگر نقش اصلی سریال در این باره می‌گوید: «به‌منظرم خاصیت این مدل قصه‌ها این است که قدری بار ریم ملایم‌تری برای مخاطبش شرح داده شود.» خداشناس با بیان اینکه در حال حاضر برای قضاوت کمی زود است، ادامه می‌دهد: «قصه مستوران هنوز به شکل جدی شروع نشده و در قسمت‌های اول که به معرفی شخصیت‌ها می‌گذرد، این شائبه به‌وجود می‌آید که ریتم کند است، اما در ادامه جذابیت‌های داستان زیاد می‌شود و مستوران در شب‌های کشتار و سرد زمستانی مثل یک ستاره در تلویزیون خواهد درخشید.»

در برخی سکانس‌ها گم می‌شدم

وقتی از خداشناس درباره چالش‌های ایفای نقش لطفعلی در سریال مستوران می‌پرسیم، اینطور می‌گوید: «چالش خاصی وجود نداشت؛ مثل هر نقش دیگری کشتی‌هایم را با لطفعلی گرفتم. البته حضور کارگردان خیلی کمک‌کننده بود؛ یک سکانس‌هایی بود که واقعا من گم می‌شدم و نمی‌دانستم حال لطفعلی چیست و سیدخیلی کمک می‌کرد؛ با هم گپ می‌زدیم و چون مدت‌ها همکاری بودیم، زبان هم را خیلی خوب متوجه می‌شدیم. خدا را شکر پروژه مستوران جزو کارهایی بود که در آن با همه عوامل جلو و پشت دوربین از تباط خوبی داشتیم و گروه یکدمت بدون حاشیه‌کار می‌کرد و تلاش همگی ارائه یک کار قابل‌قبول بود.»

مثل کدام نقش؟

مثلا در سریال «بی‌همگان» نقش یک آدم به درندخسور را بازی کردم و این نقش حس‌ها و حتی بازخوردهایی که از آن می‌گیرم برایم جذاب است. در همین سریال مستوران هم نقش لطفعلی را به‌خاطر سبک و سیاقش دوست داشتم و تمام مدت ضبط سریال با تقسم‌کیف می‌کردم و به‌واقع با آن پوشش و ادبیات متفاوت انگار در زمان سفر می‌کردم.

یکی از نقش‌های به یاد ماندنی که ایفا

کردید، نقش جوانی شهید شهریاری در سریال «صبح آخرین روز» است. برای ایفای آن نقش چالشی هم داشتید؟

پیدا کردن ریزه‌کاری‌های یک شخصیت معاصر و بازی در نقش کسی که هم‌زمان، همسر و فرزندانشان در قید حیاتند و تورا می‌بینند و با همسر و پدر عزیزشان مقایسه می‌کنند، برایم پراز چالش بود، ولی همه تلاشم را کردم که بتوانم نقش را با همه جزئیات نزدیک به شخصیت آن شهید بزرگوار ایفا کنم. آن نقش هم برایم خیلی جذاب و لذتبخش بود؛ چون مخاطب‌باز باجنس دیگری از بازیگری من مواجه شد.

چطور بر آن چالش‌ها غلبه کردید؟

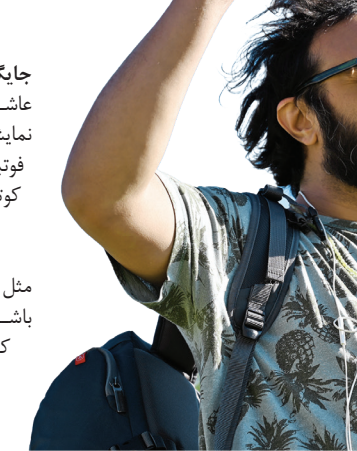
با خانواده محترم شهید خیلی صحبت کردم و از آنها راهنمایی گرفتم. درباره تکیه‌کلام‌ها، برکردن اوقات فراغت، اینکه در خلوتش چه می‌گذشت و ده‌ها مورد ریز و درشت دیگر مشورت گرفتم و سعی کردم از آنها ساده‌نگذرم و با همین ریزه‌کاری‌ها به شخصیت درست شهید شهریاری برسم.

در مجموع دوست‌دارید بیشتر نقش

مثبت‌بازی کنید یا منفی؟

مثبت یا منفی بودن نقش چندان برایم مهم نیست، فقط میزان تأثیرگذاری نقش در روند قصه مهم است.

به‌جز بازیگری حرفه دیگری دارید؟



این روزها در کدام پروژه سینمایی با

تلویزیونی مشغول هستید؟

حدود ۳هفته‌است که مشغول کاری نیستم. منتظر یک فرصت و یک فیلمنامه خوب هستم.

چرا اینقدر کم کارید؟

همه تلاش‌ام را می‌کنم که نقش‌هایی را که دوست دارم و می‌توانم با آنها تجربه جدیدی داشته باشم، انتخاب کنم و برای این موضوع تاجایی‌که زورم برسد سعی می‌کنم ایستادی کنم.

کفه ترازوی کارنامه حرفه‌ای‌تان به‌سمت

بازی در آثار تلویزیونی است یا سینمایی. دلیلش علاقه‌تان به تلویزیون است؟ سینما یا تلویزیون چندان برایم فرقی نمی‌کند. بهتر است بگویم نقش‌هایی که برای کارهای سینمایی پیشنهاد شده کیفیت مورد قیوم‌ر انداخته و ترجیح داده‌ام با کار بهتری در سینما ظاهر شوم.

وقتی مشغول کاری نیستید، روزهایتان را چطور می‌گذرانید؟

روزهایی که مشغول بازیگری نیستم سعی می‌کنم در خانه بمانم و استراحت کنم. در کنارش در حوزه کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی کار می‌کنم. الان هم مشغول انجام پژوهشی در حوزه هنرهای نمایشی هستم. خدا را شکر احوال این روزهایم بدک نیست.

هنر و مطالعه هم در برنامه روزانه‌تان

جایگاهی دارند؟ عاشق هنرهای تجسمی و پای‌ثابت‌گاری‌ها و نمایشگاه‌های هنری هستم. به سفر، ورزش شنا و فوتسال و پیاده‌روی بسیار علاقه دارم و مسیرهای نسبتاً کوتاه را حتما پیاده می‌روم.

در حرفه بازیگری چه آرزوهایی دارید؟

مثل همه بازیگران دوست دارم کارنامه پرپاری داشته باشم، برای همین خیلی از پیشنهادها را به‌دلیل کیفیت پایین نمی‌پذیرم؛ چون معتقدم کیفیت حرف اول را می‌زند. دلم می‌خواهد بدها که کارنامه‌ام را مرور می‌کنم سرم بالا باشد و بتوانم به آن افتخار کنم.